



۲۰۱۶/۰۸/۰۱



م، نعیم بارز

جنبش روشنایی،

پروانه وار مردم را قربانی روشنایی نمود!

«جنبش روشنایی» که معلوم نیست از سوی چه کس و کسانی و با چه اهداف و چه برنامه و اساسنامه ای تشکیل یافته است؟



- گاه ناسنجیده به دفاع از محصلین قوم هزاره در پوهنتون کابل به خاطر کم آوردن نمره در امتحانات و ناکامی، آنها را به مظاهره و اعتصاب غذایی کشیده و خواستار بر کناری بعضی استادان و رئیس پوهنتون کابل شده است.

• - گاه ظاهراً به هدف تمدید لین برق پنجصد میگا وات از مسیر بامیان مردم را در تظاهرات به نوع شورش تا بالا بردن به دیوار های بلند ارگ ریاست جمهوری پیش برده که در اثر فیرهای نیروی امنیتی از ترس در حین فرار تعداد پسر و دختر لغزیده و زخمی شده اند.

* - بار دیگر در دعوی لین برق از سوی «جنبش روشنایی» بحث بالا گرفت که در نتیجه رئیس جمهور مجبور شد کمیسیونی متشکل از انجیران، مهندسین، متخصصین اقتصادی و اداری را با سویه بلند تعیین نماید تا از هر نگاه معلوم نمایند که در کل تمدید لین برق ترکمنستان از کدام مسیر به نفع مردم و کشور است؟ اما باوجود اینکه کمیسیون پس از بررسی و تحقیق تثبیت نمود که از هر نگاه تمدید لین برق مذکور از مسیر سالنگ به کابل بهتر و با صرفه



تر است. با انهم رئیس جمهور امر تمديد يك مقدار برق را به باميان صادر نمود كه گفته شده نه تنها برای روشن ساختن خانه های مردم باميان بلکه برای روشن ساختن خانه های همه مردم نقاط مرکزی كفايت می كند.



اما باز هم «جنبش روشنایی» قناعت نكرده و بر خواست خود و اعتراض عليه فيصله مذکور خواستند تظاهراتی را به راه اندازند. نیروهای امنیتی با بدست آوردن اطلاع به جنبش مذکور خبر داد كه اگر تظاهراتی را به راه اندازند احتمال خطر عملیات انتحاری در آن روز و در میان تظاهر كنندگان ممكن است.

مگر جنبش مذکور باوجود اخطار پولیس غیر مسؤولانه زیر نام دفاع از «حق برق برای مردم بامیان و عدالت خواهی» با استفاده از انگیزه مذهبی و عواطف قومی پای هزاران هزار نفر كارگر، كارمند، پیشه ور، شاگردان مكتب، فاكولته و غیره را به تظاهرات كشاند كه دیده می شد از میان آن همه مردم يك فی صد آن هم از بامیان به كابل نیامده بلکه بیشتر مردم دشت برچی، كارته سخی و جاهای دیگر هزاره نشین شهر كابل بودند كه در نتیجه به اثر عمل انتحاری گروه وحشی و جنایت بار «داعش» هشتاد و هفت نفر مرد و زن كشته و بیش از سه صد نفر زخمی به بار آمد.

گرچه مردم، گروه ها و احزاب در نظام دیموکراسی حق دارند برای خواست ها و حق شان هر گاه از طریق مذاكره با نهاد های دولت به نتیجه نرسند، با استفاده از حق فعالیت های صنفی دست به اعتصاب و مظاهره بزنند، اما از يك سو نباید هر خواست صنفی و حق اقتصادی مردم را سیاسی ساخت و برای نمایش قدرت خود در میان مردم با نا دیده گرفتن اوضاع و شرایط آنهم شرایط خون بار کشور كه هر روز در شهر كابل و نقاط دیگر عملیات انتحاری و جنگ جریان دارد و بار ها دیده شده كه پولیس و دیگر نیروهای امنیتی توان تأمین امنیت آنرا ندارند، به آن گستردگی تعداد وسیع زن و مرد را به مظاهره كشید، چنانكه مظاهره ۲۰۱۶/۷/۲۳ دهمزنگ از سوی «جنبش روشنایی» يك عمل زورگویی غیر مسؤولانه و غیر منطقی حاصل دیگری در پی نداشته و نخواهد داشت.

این نوع فعالیت های گروهی و حزبی تند روانه مرا به یاد دهه دیموکراسی از سال ۱۳۴۴ تا کودتای محمد داوود خان می اندازد كه: «گروه اسلامی» تحت رهبری برهان الدین ربانی و گلبدین حكمتیار. «حزب دیموکراتیک خلق

افغانستان» تحت رهبری نور محمد تره کی و ببرک کارمل. «جریان شعله جاوید» یا سازمان جوانان مترقی تحت رهبری اکرم یاری ترجمان زبان انگلیسی در شرکت برق و برادرش صادق علی یاری استاد در پوهنتون کابل. اینها بودند که با پیروی از تیوری چپ و راست و پیروی از دولت های بیگانه با تند روی، شورش گری و کودتا کشور را در گیر جنگ های داخلی و خارجی نمودند که تا کنون از پیکر ملت خون جاری است. بعد از واقعه خون بار روز ۲۰۱۶/۷/۲۳ بنا به دعوت تلویزیون طلوع چهار نفر در میز گفت و گو شرکت کرده بودند: یک نفر جوان هزاره به نام مجید به نمایندگی از «جنبش روشنایی» یک خانم از ولسی جرگه، یک نفر از جامعه مدنی و یکی هم آقای مرتضوی معاون سخنگوی ریاست جمهوری بودند که از خلال پرسش و پاسخ ها چند نکته از دید من مهم بود: یکی اینکه مسئول پروگرام از نماینده جنبش پرسید:

- - پس از رویداد واقعه خونین دهمزنگ رئیس جمهور کمیسیونی حقیقت یابی را از افراد بلند پایه تعیین نموده تا پس از بررسی همه جانبه واقعیت رویداد و مسئولین را شناسایی کرده گزارش دهند، آیا با هیأت تعیین شده موافق هستید؟

نماینده «جنبش روشنایی» جواب منفی داده گفت: «جنبش روشنایی» متشکل از پنجاه نفر از جوانان تشکیل شده، ما دولت را غیر قانونی می دانیم و کسانی چون آقای خلیلی، سرور دانش، حاجی محمد محقق و غیره کسانی شامل دولت را قبول نداریم. جنبش جوانان راهش را از رهبران سنتی جدا نموده است، باید موضوع از سوی یک هیأتی مرکب از نماینده «جنبش روشنایی» و افراد ورزیده و صادق تحت نظر نماینده سازمان ملل به صورت شفاف و بی طرفانه تحقیق و بررسی شود.

- - در برابر این سؤال که «جنبش روشنایی» با آنکه خود را مدعی مدافع جامعه مدنی می داند چرا از اقوام دیگر افغانستان افرادی در آن دیده نمی شود؟

نماینده جنبش جواب داد که مانع برای ورود دیگران وجود ندارد چنانکه لطیف پدram نیز عضو جنبش است. آقای مرتضوی گفت ما چند بار از «جنبش روشنایی» خواستیم تا مسایل از طریق مذاکره حل و فصل شود، اما از سوی جنبش آقای احمد بهزاد پیشنهادات ما را رد کرد و حتی ما پنج نفر را تعیین کرده برای مذاکره در مسجدی که آنها بودند رفتیم ولی آنها با دیدن ما مسجد را ترک گفتند.

*- سؤال دیگری که چند بار از سوی مسئول پیش برد بحث از نماینده «جنبش روشنایی» پرسیده شد، این بود که آیا با این همه رویداد خونین باز هم به خاطر لین برق به تظاهرات خیابانی ادامه می دهید؟ آقای مجید جواب داد که ما راه خود را برای لین برق از طریق بامیان و عدالت خواهی دنبال می کنیم.

قابل ذکر است که مبارزه مدنی و مسالمت آمیز اخلاقاً این نیست که برای رسیدن به شهرت و قدرت انسان ها را در وضع بی خبری و بر انگیزتن عواطف و احساسات قومی و انگیزه های مذهبی شان در حالت وخیم به سرک ها و بازار ها کشیده و زیر تیغ جنایت گران قرار داد و مردم را از مبارزه برای نیاز ها و خواست های بعدی شان مأیوس ساخت.

مبارزه ای منطقی و قانونی و اصولی اینگونه خواهد بود که رهبران گروه ها و احزاب با درک شرایط عینی و ذهنی جامعه و شناخت دقیق از دولت که آیا برای نیاز ها و خواست های که مطرح می شوند توان پذیرفتن آن را دارند و یا خیر؟ اگر دریابند که در مقطع کنونی پافشاری بیش از حد منجر به درگیری و تلفات جانی خواهد شد باید عقب نشینی

مؤقتی را ترجیح داد و خواست خود را برای شرایط بهتر موکول کرد. این نباید به ضعف و شکست تعبیر شود بلکه درک منطقی نفس مبارزه این را ایجاب می کند.

اگر رهبران سازمان ها و احزاب خواسته باشند مردم را در یک مبارزه مسالمت آمیز و نسبتاً دوام دار با صبر و تحمل در جهت رسیدن به نیازها و خواست های مردم که یک امر دایمی است موفقیت آمیز به پیش برند در آغاز باید از نیازها و خواست های کوچک و روزمره مردم که پذیرفتن آن برای دولت هم بسیار دشوار و غیر ممکن نباشد آغاز نمایند تا به تدریج مردم از بدست آوردن پیروزی ها تشویق به مبارزه شده و برای رسیدن به خواست های متوسط و بزرگ اطمینان حاصل کرده با شناخت و اعتماد به رهبران به مبارزات بر حق شان ادامه دهند.

رهبران گروه ها و احزاب نباید هر نیاز و خواست صنفی و حقوقی مردم را سیاسی سازند و نباید از طریق مبارزات تک قومی به خیال هرچه زودتر رسیدن به پیروزی های بزرگ تا سرحد درگیری ها و رویداد های خون بار پا فشاری نمایند.

مردم افغانستان بل اخص قشر جوان و روشنفکران این را دریابند که از طریق مبارزات تک قومی به پیروزی های بزرگ و قدرت سیاسی نخواهند رسید مگر اینکه با همبستگی دسته جمعی با دیگر اقوام وارد مبارزات اصولی و مسالمت آمیز شوند.

من در واقعه خونین دهمزنگ احتمال دست داشتن ایران و عربستان سعودی را هم نادیده گرفته نمی توانم، اما بیشتر از هر طرف و هر کس دولت افغانستان که حافظ نظم جامعه و جان مردم است، مسؤول درجه یک بوده تا اگر اطلاع داشته که خطر احتمال حمله انتحاری وجود دارد باید به هر قیمتی نمی گذاشت مظاهره به راه افتد.

بعد از رویداد خون بار مظاهره واقع دهمزنگ رئیس جمهور غنی به زعم خود برای فرو نشاندن خشم مردم شتابزده حرف هایی زد که بیشتر مردم را برانگیخت، مثلاً گفت: چار راهی دهمزنگ و مینار تاریخی عبدالوکیل خان باید به نام چار راه شهیدان نام گذاری شود، اگر این تجویز درست باشد، در ظرف چهل سال اخیر در هر وجب خاک افغانستان مردم به شهادت رسیده، پس به زعم رئیس جمهور نام افغانستان هم شهیدان گذاشته شود.

م، نعیم بارز - ۲۳/۷/۲۰۱۶

پایان